

آیا مجلس سناخبط مجلس نمایندگان را جبران خواهد کرد؟

محمد اکرام اندیشمند

انتخابات یکی از پایه اصلی و زیرین عدالت اجتماعی و دموکراسی در یک کشور است که مشارکت مردم را در قدرت سیاسی و مدیریت تمام عرصه های حیات جامعه منعکس میسازد. در فرایند انتخابات نه تنها مشارکت مردم در عرصه حیات سیاسی محقق می شود، بلکه روند و نهادهای نظارت مردم بر حاکمیت شکل می گیرد. اما نکته مهم در مشارکت مردم و شکل گیری نظارت آنها در این پروسه به میکانیزم دقیق و نظام صحیح و عادلانه انتخاباتی و نحوه ی اجرای انتخابات برمیگردد. برگزاری انتخابات در نظام نادرست و غیرعادلانه انتخاباتی فقط ریاکاری و تظاهری است که اربابان اقتدار از آن به عنوان ابزار تأمین منافع قدرت خویش بهره می گیرند.

نظام های سه گانه در انتخابات پارلمانی:

سه نوع نظام یا سیستم انتخاباتی در انتخابات پارلمانی معروف و متداول است:

1- نظام اکثریتی:

این سیستم یا نظام انتخاباتی در جهت انتخاب اعضای پارلمان بر مبنای اخذ اکثریت آرای ارائه شده برگزیده می شود. اکثریت شامل هر دو حالت اکثریت مطلق و اکثریت نسبی می باشد. برنده و پیروز انتخابات در این نظام اگر اکثریت مطلق آراء را بدست نیابد با کسب اکثریت نسبی نیز برنده محسوب می شود. در نظام اکثریتی، سیستم رأی واحد و غیر قابل انتقال معیار و زیربنای این نظام است. در این نظام احزاب سیاسی سهم و نقشی ندارند. نظام انتخاباتی افغانستان در سال 2004 بر مبنای نظام اکثریتی تدوین و تصویب یافت. به ویژه این نظام و سیستم توسط رئیس جمهور کرزی در این سال علی رغم دیدگاه مخالف سازمان ملل متحد و شماری از نهاد های مدنی افغانستان مورد تأکید و تأیید قرار گرفت.

2- نظام تناسبی:

نظام و سیستم تناسبی در انتخابات برخلاف نظام اکثریتی رأی را قابل انتقال میسازد و بر مبنای این نظام، میان فیصدی آرای داده شده و کرسی های پارلمانی یک تناسب مستقیم و معقول ایجاد می شود. در این سیستم، احزاب سیاسی نقش و سهم اصلی را ایفا میکنند. در این نظام عمدتاً احزاب سیاسی کاندید می شوند و هر حزب سیاسی که بیشترین رأی را بدست آورد، صاحب بیشترین کرسی های پارلمانی می شود.

3- نظام مختلط:

سیستم مختلط انتخاباتی در واقع از تلفیق نظام و سیستم اکثریتی و تناسبی بوجود می آید. این سیستم بر مبنای شرایط اجتماعی و سیاسی کشورها مورد استفاده قرار می گیرد که در آن شرایط یکی از دو سیستم متذکره به تنهایی مطلوب و پاسخگو نباشد. نظام مختلط در واقع نکته تعادل میان دو سیستم متفاوت اکثریتی و تناسبی است که در ایجاد پارلمان مطلوب و در جهت توسعه سیاسی و تقویت احزاب سیاسی مؤثر تلقی می شود.

نظام انتخاباتی آینده در پارلمان افغانستان:

انتخابات پارلمانی افغانستان در هر دو دوره انتخابات پارلمانی پسا طالبان و در حکومت رئیس جمهور کرزی در سالهای 2005 و 2010 بر مبنای نظام اکثریتی برگزار شد و پارلمان کشور بر همین اساس شکل گرفت. این در حالی بود که مجامع بین المللی و نهادهای جامعه مدنی افغانستان بویژه بسیاری از احزاب سیاسی پیوسته نظام انتخاباتی اکثریتی را مورد انتقاد قرار میدادند و آنرا مانع تقویت دموکراسی نوپای افغانستان و عامل منفی در توسعه سیاسی جامعه و رشد احزاب سیاسی می پنداشتند. اما رئیس جمهور کرزی و حکومت او بدون اعتنا و توجه به این انتقادات و مطالبات همچنان از نظام اکثریتی یا نظام رأی واحد غیر قابل انتقال حمایت کرد. نظام رأی واحد غیر قابل انتقال بار دیگر در طرح پیش نویس که برای اصلاح و تعدیل در قانون انتخابات از سوی حکومت کرزی (حمل 1392) به مجلس نمایندگان ارائه شد، مورد تصویب هیئات حکومت قرار گرفت. اما مجلس نمایندگان برخلاف توقع و امید جوامع مدنی افغانستان و سازمانهای بین المللی به این دیدگاه حکومت در مورد تطبیق نظام و سیستم اکثریتی یا نظام رأی واحد غیرقابل انتقال صحنه گذاشت.

مجلس نمایندگان افغانستان بروز دوم ثور 1392 قانون انتخابات را تصویب کرد که بر اساس آن نظام رأی واحد غیر قابل انتقال یا سیستم اکثریتی به عنوان نظام انتخاباتی مورد قبول قرار گرفت. این در حالی بود که کمیسیون امور تقنینی شورای ملی، نظام مختلط را در مسوده بازبینی و تعدیل قانون انتخابات پیشنهاد کرد. در این پیشنهاد پنجاه در صد کرسی های شورای ملی یا پارلمان برای ولایات از راه رقابت میان احزاب سیاسی اختصاص داده شد و پنجاه در صد باقی مانده به نامزدهای مستقل اختصاص یافت. اما مجلس نمایندگان در اجلاس دوم ثور این طرح را بصورت کامل نادیده گرفت و با اکثریت آراء به همان نظام رأی واحد غیرقابل انتقال رأی داد. چرا چنین شد و استدلال رئیس جمهور و نمایندگان طرفدار او بر سر نظام رأی واحد غیرقابل انتقال چیست؟

مؤلفه های حمایت از نظام رأی واحد غیر قابل انتقال یا نظام اکثریتی عبارت اند از:

1- سادگی و سهولت در تطبیق:

بسیاری از کسانی که طرفدار نظام انتخاباتی اکثریتی با رأی واحد غیر قابل انتقال بدون سهم و نقش احزاب سیاسی هستند، به سادگی و آسانی این سیستم در اجرای آن انگشت میگذارند. به زعم آنها این نظام به خصوص در جامعه بحران زده و پیچیده افغانستان هم متناسب و هم به سهولت قابل تطبیق است.

2- نبود احزاب سیاسی ملی و مقتدر:

نبود احزاب سیاسی مقتدر و ملی یکی دیگر از عواملی است که طرفداران نظام رأی واحد غیر قابل انتقال به آن انگشت میگذارند. به باور آنها در غیبت احزاب سیاسی فراگیر ملی استفاده از نظام تناسبی و حتی مختلط با سهم و نقش اصلی احزاب، پارلمان به میدان کشمکش و رقابت های مختلف مبدل می شود. این امر به تشدید و گسترش تفرقه و تشتت در ابعاد مختلف قومی، زبانی، مذهبی، سیاسی و غیره در داخل و بیرون پارلمان می انجامد.

3- جلوگیری از شکل گیری مافیای قدرت در نهاد پارلمان:

نظام اکثریتی با رأی واحد غیر قابل انتقال برخلاف نظام تناسبی راه را بروی شکل گیری مافیای قدرت در داخل قوای مقنینه که به آسانی به سایر نهاد های دولت می توانند نفوذ کنند، می بندد. در شرایطی که افغانستان به سختی در حال عبور از سی سال بی ثباتی و بحران جنگ است، نظام انتخاباتی با رأی واحد غیرقابل انتقال به استحکام ریشه ها و پایه های ثبات سیاسی می انجامد و پروسه ی قانونمندی و قانون گرایی را تقویت میکند. اما نظام تناسبی در انتخابات پارلمانی که زمینه را در جهت رشد مافیای قدرت از سوی زورمندان و جنگ سالاران فراهم مینماید، تقویت روند ثبات و قانونمندی را مختل میسازد.

آیا استدلال طرفداران نظام انتخابات براساس رأی واحد غیر قابل انتقال یا نظام اکثریتی حتی در شرایط بی ثباتی و عبور از بحران برای افغانستان مؤثر است؟ کدام نظام انتخاباتی راه را به ثبات و توسعه سیاسی و اجتماعی می گشاید و کدام نظام مانع ثبات و توسعه می شود؟

نظام اکثریتی، تناسبی و یا مختلط؟:

1- برخلاف استدلال طرفداران نظام اکثریتی با رأی واحد غیر قابل انتقال، این

سیستم به پارلمان بمثابة یک نهاد انتخابی و بازتاب دهنده ی آراء و اراده ی مردم در قدرت سیاسی صدمه میرساند. ورود افراد فاقد صلاحیت های پارلمانی حتی افراد بی سواد و فاقد تعلیم و تحصیل به پارلمان در بستر چنین نظامی محقق می شود. پارلمان به عنوان نهاد قانونگذار و نظارت کننده تطبیق قانون در وجود افراد فاقد شایستگی و صلاحیت های پارلمانی بسیار ضعیف و ناکارآمد باقی میماند. ضعف و ناتوانی پارلمان زمینه را به فساد بیشتر در نهاد اجرایی دولت مساعد میکند و

افغانستان که یکی از کشورهای آلوده به فساد مالی جهان است همچنان در قطار آلوده ترین کشورهای فاسد دنیا باقی خواهند ماند. در حالی که پارلمان شایسته و مؤثر به آسانی میتواند کشور را از لیست بالای فساد بیرون کند.

2- یکی دیگر از تبعات ناگوار نظام انتخاباتی با رأی واحد و غیر قابل انتقال در

ضعف پارلمان، به آرای پایین نامزدان برنده برمیگردد. تجارب دو دور پیشین انتخابات پارلمانی افغانستان نشان داد که در این سیستم برخی از نمایندگان با رأی بسیار پایین وارد پارلمان شدند. در کابل پایتخت کشور با جمعیت بیش از چهار میلیون نفر برخی نمایندگان با کمتر از یک هزار رأی به عضویت پارلمان رسیدند. پارلمانی که اعضای آن با چند صد رأی به کرسی پارلمان تکیه کند، یک پارلمان ضعیف شمرده می شود.

3- استدلال طرفداران نظام رأی واحد غیر قابل انتقال در انتخابات پارلمانی بجای

نظام تناسبی و مختلط با سهم و نقش احزاب سیاسی بنا بر عدم احزاب سیاسی فراگیر و ملی، نه تنها بسیار نامؤجه و نادرست است، بلکه در تعارض با توسعه سیاسی، رشد جامعه مدنی و تقویت پایه های دموکراسی قرار دارد. به ویژه مخالفت رئیس جمهور کرزی و حکومت وی با نظام تناسبی و مختلط انتخاباتی به بهانه نبود احزاب سیاسی مقتدر و ملی متعارض با وجایب و مکلفیت های ملی و قانونی است.

توسعه و تقویت جامعه مدنی به خصوص تقویت احزاب سیاسی به عنوان یکی از مظاهر اصلی جامعه مدنی در افغانستان از وجایب رئیس جمهور و حکومت وی شمرده میشود. تقویت احزاب سیاسی که از الزامات توسعه سیاسی ورشد دموکراسی است، جامعه را از جامعه قومی و قبیله ای بسوی جامعه شهروندی متحول می سازد. و تنها در شکل گیری جامعه شهروندی است که تفرقه و تعارضات قومی، مذهبی، زبانی و غیره جای خود را به وحدت ملی و عدالت اجتماعی میدهد.

4- نظام انتخاباتی تناسبی و مختلط با سهم و حضور احزاب سیاسی، برخلاف

تصور و ادعای مخالفان این نظام، پارلمان را از تنش و تعارضات قومی، زبانی و مذهبی برکنار میماند. در واقع با نقش و حضور احزاب سیاسی است که یک پارلمان ضعیف جای خود را به پارلمان مقتدر و سالم میدهد. احزاب سیاسی در معرفی نامزدهای انتخاباتی خود با مسئولیت عمل میکنند و به ندرت میتوان گفت که یک حزب سیاسی فرد فاقد شایستگی های پارلمانی را نامزد حزب خود معرفی نماید؛ در حالی که در نظام رأی واحد غیر قابل انتقال این امر به کثرت اتفاق می افتد.

5- نظام تناسبی و مختلط در انتخابات به شکل گیری پارلمان مسئول و مقتدر

می انجامد. احزاب سیاسی که در این نظام نقش برجسته دارند، به همان حد میزان مسئولیت پذیری شان بالا خواهد بود. در حالی که در نظام اکثریتی اعضای پارلمان به عنوان یک فرد از چنین مسئولیت پذیری برخوردار نیستند. اعضای احزاب در پارلمان در نظارت و پاسخگویی مضاعف قرار می گیرند. حزب به عنوان یکی از مراجع ناظر و بازخاستگر از آنها در پهلوی مردم، دولت و نهادهای مدنی نقش بسیار مؤثری ایفا میکند. برعکس در نظام انتخاباتی اکثریتی بر مبنای رأی واحد و غیر قابل انتقال، نمایندگان پارلمان در برابر مردم حوزه های انتخاباتی خود مسئولیت پذیری کمتر نشان میدهند. مردم نیز نمیتوانند مانند احزاب سیاسی بر فعالیت و کارکرد آنها بر مبنای تعهداتی که به اخذ آرای مردم دست یافته اند، اعمال نظارت کنند.

6- نظام اکثریتی در انتخابات با رأی واحد و غیر قابل انتقال از یکطرف زمینه را در

جهت شکل گیری اپوزیسیون تأثیرگذار بر دولت و حکومت در داخل پارلمان نامساعد میکند و از جانب دیگر پارلمان را متفرق و حتا متعارض نگه میدارد. در چنین حالتی میزان دخالت و نفوذ حکومت در پارلمان بالا میرود و پارلمان ابزار دست یک حکومت آلوده در فساد و زمام داران فاسد می شود.

نظام مختلط انتخاباتی:

با توجه به آنچی که در مورد زیانهای نظام رأی واحد و غیرقابل انتقال در انتخابات گفته شد، نظام مختلط انتخاباتی در شرایط بی ثباتی و بحران افغانستان راه میانه در جهت شکل گیری یک پارلمان مطلوبتر و مؤثر تر است. توسعه و ثبات سیاسی مستلزم تقویت احزاب سیاسی است و تقویت احزاب سیاسی ثبات سیاسی را تضمین و نهادینه میکند. اگر رئیس جمهور کرسی و تیم حاکمیت او با مشاوران ویژه اش در این حاکمیت نبود احزاب سیاسی مقتدر و ملی را بهانه ی تصویب نظام انتخاباتی تناسبی و حتا نظام مختلط تلقی می کنند، در گام نخست مسئولیت عدم شکل گیری چنین احزاب سیاسی را وی و حکومتش بدوش دارد. زیرا رشد و تقویت احزاب سیاسی و تحول آنها به احزاب مقتدر و فراگیر ملی بستگی به اراده و عملکرد رئیس جمهور و حکومت وی دارد. یکی از راه های مؤثر و معقول رشد و تقویت احزاب سیاسی نظام مختلط انتخاباتی است تا زمینه برای مشارکت احزاب سیاسی در قدرت بصورت منطقی و قانونی مساعد شود. احزاب سیاسی در پروسه مشارکت در قدرت می توانند توانایی و شایستگی خود را به عنوان حزب فراگیر و مقتدر ملی نشان دهند.

کسانیکه در افغانستان جانبدار توسعه ی سیاسی و اجتماعی هستند و از تحول جامعه قومی و قبیله ای به جامعه شهروندی حمایت میکنند و در آرزوی ایجاد افغانستان با ثبات، پیشرفته و برخوردار از عدالت اجتماعی، وحدت ملی و دولت

مقتدر ملی به سر میبرند، به این نکته توجه کنند که بدون تقویت احزاب سیاسی این آرزو محقق نمی شود. احزاب سیاسی مقتدر و فراگیر ملی در فرایند تقویت احزاب شکل می گیرد، نه در روند ضعف و انحطاط احزاب سیاسی.

مجلس سنا و نظام انتخاباتی:

تصویب نظام رأی واحد و غیر قابل انتقال درانتخابات از سوی مجلس نمایندگان در دوم ثور 1392 یکی از نکات تاریک عملکرد این نهاد قانونگذاری افغانستان است. هیچ بهانه و استدلالی نمیتواند خبط سیاسی نمایندگان موافق به نظام انتخاباتی رأی واحد غیر قابل انتقال را در این اتاق پارلمان افغانستان توجیه کند. تصویب نظام رأی واحد غیر قابل انتقال در نظام انتخاباتی افغانستان از مجلس نمایندگان به عنوان یک نهاد دموکراتیک و ممثل اراده ی مردم، یک عمل غیر دموکراتیک است. زیرا این امر راه را به استحکام و گسترش روند دموکراتیک در تحولات سیاسی و اقتدار سیاسی کشور می بندد و سیاست را همچنان قومی، قبیله ای و مافیایی نگه میدارد. آیا مجلس سنای افغانستان با تصویب و تأکید بر نظام مختلط انتخاباتی این خبط مجلس نمایندگان را جبران خواهد کرد؟